Pazhuheshnameh Irfan
N.30.spring & summer (2024)
pages:223- 243

Assessment of Mystics' Approach to Meaning of repentance, and Its Mystical Degrees According to Quran and prophetic tradition

Muhammad Miri[1]

Abstract: By documentary–analytical method, this research aims to examine the main topics related to repentance from the perspective of religious teachings and people of knowledge and finally measure the coherency of mystics' views with religious law in this field. According to the Quran and prophetic traditions and mystics, the term "repentance", by its nature and concept, means "returning to God". This is acknowledged by mystics, too. Mystics, following the Quran and prophetic tradition, on the other hand, also believe that repentance, like many other religious concepts, is a reality with a variety of degrees. Thus, the spirit of repentance, that is the returning to God, can be seen at all degrees of repentance and, so, every human being, at any degree, needs to return to the Real. Therefore, according to human beings' degrees, repentance has degrees. There is also evidences of religious teachings that show that repentance, in its ultimate level, is "returning from what is other than God to God". Providing the best explanation of these religious teachings, mystics asserted that the highest level of repentance is nothing but returning from everything to the almighty God.

Keywords: Repentance, Practical mysticism, Mystical tradition, Mystical Quranic Signs

1 . Assistant Professor, Faculty of Education, University of Tehran. m.miri57@ut.ac.ir

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

پژوهشنامه عرفان، دوفصلنامه علمی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، بهار و تابستان ۱۴۰۳، صفحات۲۴۳-۲۲۳

ارزیابی رویکرد عارفان در معنای توبه و مراتب سلوکی آن با سنجه قرآن و حدیث

محمد میری*

چکیده: این پژوهش بر آن است تا به روش اسنادی - تحلیلی، اصلی‌ترین مباحث مرتبط با مقولهٔ توبه را از دیدگاه آموزه‌های دینی و همچنین اهل معرفت، بررسی کرده و درنهایت، میزان هماهنگی دیدگاه عارفان با شریعت را در این ساحت بسنجد. در نگاه قرآن و حدیث و در نگاه عارفان، اصل «بازگشت به خداوند» در مفهوم‌شناسی توبه و هویت آن، اخذ شده است. ازسوی‌دیگر، عارفان به پیروی از قرآن و حدیث و هم‌سو با شریعت بر این باورند که توبه نیز مانند بسیاری دیگر از مفاهیم دینی، یک حقیقت تشکیکی است؛ بنابراین روح معنای توبه، یعنی همان بازگشت به خداوند را در همه سطوحِ مترتّب بر هم آن می‌توان مشاهده کرد. هر انسانی در هر مرتبه‌ای هم که باشد نیازمند به بازگشت به حق متعال است، پس توبه به تعداد مراتب گوناگون انسان‌ها، دارای مراتب است. همچنین شواهد گوناگونی از آموزه‌های دینی وجود دارد که بر این مطلب تأکید دارند که توبه، در نهایی‌ترین مراتب خود، به توبه از ماسوی‌الله می‌انجامد. عارفان نیز با ارائهٔ بهترین تحلیل‌ها از این آموزهٔ دینی، اثبات کرده‌اند که متعالی‌ترین مرتبهٔ توبه، توبه از هرچه جز خدا است.

کلیدواژه‌ها: توبه، عرفان عملی، احادیث عرفانی، آیات عرفانی

---

* استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران رایانامه: m.miri57@ut.ac.ir

مقاله علمی – پژوهشی است. دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۴/۸؛ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۳۰

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

مقدمه:

آموزهٔ دینی «توبه» از پربسامدترین اصطلاحات رایج در ادبیات دینی و همچنین عرفانی است. احتمالاً هیچ انسان عاقلی نیست که تعریف و تصوری از توبه، در ذهن نداشته باشد. با این حال، هویت اساسی توبه با همهٔ وجوه و جوانب و مراتبش کمتر به ذهن می‌آید و حتی تصور برخی مراتب متعالی و نهایی توبه برای هر کسی امکان‌پذیر نیست. آنچه همواره از توبه مورد توجه بوده، معمولاً فقط همان مرتبهٔ نخستین آن یعنی توبه از گناهان و معاصیِ متعارف و شناخته‌شده‌ای همچون دروغ، غیبت و... است. این درحالی است که پس از تحقیق، خواهیم دید که ادبیات دینی ما برای همین مرتبهٔ نخستین از توبه هم اهمیت و ارزش فراوانی قائل است، اما توبه را محدود به این مرتبه نکرده و بلکه سخن از مراتب بالاتر توبه نیز دارد.

طبیعی است که عارفان، به‌حسب علاقه و وظیفهٔ ذاتی خود، بیش از دیگر نحله‌های علمیِ اسلامی به این مسئله پرداخته‌اند. بیشترین و بهترین توضیحات پیرامون مراتب توبه و بازگشت به خداوند را در آثار عارفان می‌توان جست. البته اوج سخن و هنرنمایی عارفان در این ساحت، تحقیقاتی است که پیرامون نهایی‌ترین مراتب توبه داشته‌اند. تحقیقات موشکافانه اهل معرفت دربارهٔ مراتب نهایی توبه، ثمرات فراوانی داشته است. ازجمله این ثمرات تحلیل و تبیین چگونگی توبه معصومان، با حفظ عصمت آن‌هاست و از دیگر ثمرات مهم آن نشان دادن نقشه راه به سالکان است تا بتوانند در مسیر توبه، خود را از همهٔ مراتب گناه و آلودگی‌ها پاک نمایند و بتوانند با در نظر داشتن این معیار، جایگاه خود در منزل توبه را محک بزنند. روشن است که این دست از تحقیقات اهل معرفت پیرامون توبه، در دیگر نحله‌های علمی اسلامی همچون فقه، تفسیر، کلام و... نظیر ندارد، زیرا تعمّق در توبه و دقایق مترتب بر آن و ظرائف مراتب آن، آن‌گونه که عارفان بدان علاقه دارند، مورد توجه دیگران نبوده است. به همین خاطر و با توجه به اهمیت فوق العاده‌ای که مسئلهٔ توبه در شریعت دارد، پژوهشِ پیش‌رو بر آن است تا در یک مقایسهٔ تطبیقی، میزان هماهنگی دیدگاه عارفان را دربارهٔ معنا و مراتب توبه با دیدگاه شریعت بررسی نماید. شریعت، قانون اساسی و میزان اصلی عرفان است و عارفان بارها تأکید کرده‌اند که صحت و سقم سخنانشان براساس ضابطه تطابق با قرآن و حدیث سنجیده می‌شود.[۱]

پیش از این، نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل مبانی عرفانی بالاترین مرتبه توبه» به مقوله «توبه از ماسوی‌الله» به عنوان بالاترین مرتبهٔ توبه، از نگاه عارفان پرداخته است. در آن مقاله، به

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

پیشینه مطلق بحثِ عارفان از توبه در کتاب‌های مهم عرفانی همچون «*الرعایة لحقوق الله*» و «*الوصایا*»، «*اللمع*»، «*التعرف*»، «*منازل السائرین*»، «*کشف المحجوب*»، «*احیاء العلوم*»، «*مکاشفة القلوب*»، «*لطائف الاعلام*»، «*جامع السعادات*» و... اشاره شد (میری، ۱۳۹۶: ۵۰۱). همچنین مفسران و اندیشمندان مسلمان در شرح و تفسیر آیات و روایات مرتبط با توبه، نوشته‌های فراوانی دارند. به‌هرحال، آموزهٔ توبه به‌خاطر توجه ویژه شریعت به آن، همواره موضوع بسیاری نوشته‌ها و پژوهش‌ها بوده است و تاکنون، کتاب‌ها، رساله‌ها، مقالات و پایان نامه‌های فراوانی، پیرامون جوانب گوناگون آن نگاشته شده است. بااین‌حال تاکنون، ارزیابیِ کلانِ دیدگاه عارفان دربارهٔ توبه و مراتب آن با سنجه قرآن و حدیث، به‌گونه‌ای علمی، تحلیلی و نظام‌مند، موضوع و محور پژوهش مستقلی قرار نگرفته است و همین نکته، جنبه نوآوری این مقاله را رقم می‌زند.

۱. مفهوم‌شناسی توبه

مقایسه تطبیقی میان نگاه شریعت و نگاه عارفان به توبه را از مفهوم‌شناسی توبه در این دو نگاه آغاز می‌کنیم، زیرا ابتدا باید تعریف هرکدام از این دو نگاه به مقولهٔ توبه و نسبت میان دو تعریف روشن باشد.

۱.۱. تعریف توبه در قرآن و حدیث

واژهٔ توبه مصدر ریشه «ت و ب» بوده و به معنای رجوع و بازگشتن است. ابن‌فارس در این باره آورده: «التّاءُ وَ الواوُ وَ الباءُ کَلِمَةٌ واحِدَةٌ، تَدُلُّ عَلَی الرُّجوعِ» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۵۷). صاحب قاموس قرآن ذیل واژه توبه با تأکید بر اصل معنای لغوی توبه چنین نتیجه گرفته است که اینکه برخی کتب همچون *صحاح* و *اقرب الموارد*، قید معصیت را به‌معنای لغوی توبه اضافه کرده و به‌جای تعریف توبه به «رجوع مطلق» گفته‌اند: توبه «رجوع از معصیت» است، صحیح نیست؛ زیرا این کلمه دربارهٔ خدای تعالی نیز به کار می‌رود.[۲] و در مورد خدا رجوع از معصیت معنی ندارد. بنابراین چارچوب اصلی معنای واژه توبه، همان رجوع است و توبهٔ بنده، بازگشتش به خداوند است از گناه به طاعت و توبه خدا بازگشتش به بنده است از عقاب به رحمت (قرشی بنایی،۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۸۵؛ همچنین رک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۴: ۲۳۷)

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

به‌هرروی، توبه هنگامی که در فرهنگ دینی به‌کار می‌رود، به معنای بازگشت از گناه و نافرمانی بنده، به‌سوی خداوند است و طبیعتاً چنین بازگشتی همراه با برخی لوازم همچون پشیمانی از گذشته و تصمیم بر جبران و برنگشتن به آن هم خواهد بود.[۳] و این‌گونه است که این لوازم در تعریف اصطلاحی توبه در فرهنگ دینی اخذ شده است. برای نمونه شیخ طوسی در تعریف توبه می‌نویسد: «**و التوبة الندم علی القبیح مع العزم علی أن لا یعود إلی مثله فی القبیح**» (طوسی، بی‌تا، ج۳: ۶۰۴ و ۱۴۵ و ج ۵: ۱۸۰و ۱۹۹). تعداد دیگری از مفسران نیز با تکرار مضامین فوق، همین تعریف را برای توبه در نظر داشته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۵؛ کاشانی، ۱۳۸۵، ج۱: ۱۶۷).

۲.۱. تعریف توبه در عرفان

عارفان نیز در تعریف توبه ناظر به معنای لغوی و شرعی آن هستند. به همین خاطر، در بسیاری از متون عرفانی، پیش از تعریف توبه در اصطلاح عارفان به معنای لغوی آن و سپس به معنای شرعی آن اشاره شده است. برای نمونه قشیری بارها اشباع معنای لغوی توبه و تعریف شرعی آن را در اصطلاح عرفانی توبه متذکر شده است: «**حقیقة التوبة فی لغة العرب: الرجوع، یقال: تاب أی رجع. فالتوبة الرجوع عما کان مذموما فی الشرع إلی ما هو محمود فیه. و قال النبی صلی اللّه علیه و سلم: «الندم توبة**» (قشیری، ۱۳۷۴: ۱۶۸).

به‌هرروی، همان‌طور که در مقدمه گذشت، عارفان، شریعت را میزان و ضابطهٔ اصلی عرفان اسلامی می‌دانند و به همین خاطر، در تعریف توبه نمی‌توانند بی‌اعتنا به تعریف شریعت از توبه باشند.

> *توبه به حسب لغت رجوع است... و به حسب شرع، توبه ندامت بر معاصی است ...و حقیقت توبه آنست که سالک راه اله، از هرچه مانع وصول او است به محبوب حقیقی از مراتب دنیا و عقبی اعراض نموده روی توجه به جانب حق آرد و جمیع موانع صوری و معنوی را «فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمِ»[۴] گردانیده مطلقا نظر بر غیر حق نیندازد*[۵] (اسیری لاهیجی، ۱۳۸۱: ۲۶۹).[۶]

۲. مراتب توبه

چنان‌که خواهد آمد، آموزه‌های دینی و تعالیم عارفان سخن از مراتب گوناگون و سطوح متفاوت توبه دارند، اما تعدد در سطوح گوناگون توبه چگونه قابل تحلیل و تبیین است؟ در ادامه، نگاهی

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

خواهیم داشت به برخی مبانی که دست ما را در تحلیل مسئله ضرورت وجود سطوح و مراتب متفاوت برای توبه بازتر می‌کند.

۲. ۱. تشکیکی بودن حقیقت توبه

در علم منطق، مفاهیم به دو دسته متواطی و مشکّک تقسیم شده‌اند. متواطی مفهومی است که به نحو یکسان بر همه مصادیق خود حمل می‌شود و افراد آن در صدق مفهوم، اختلافی ندارند؛ مانند چوب، قلم، مثلث و... و «مشکک» یا فازی (fuzzy) مفهومی ذومراتب است که صدقش بر مصادیق خود، شدت و ضعف، و کاهش و فزونی دارد، مانند صفات اخلاقی و مقامات سلوکی، ازجمله شجاعت، صبر، توبه و.... که هرکدام، دامنهٔ صدق گسترده و پیوسته‌ای را دارا هستند.

اصلی‌ترین تفاوت مفاهیم متواطی و مشکک در آن است که مفهوم مشکک، طیف مدرّجی از مصادیق دارد؛ درحالی‌که مفهوم متواطی تنها یک گونه مصداق دارد. مفهوم مشکک، منعطف، پویا، چندلایه و گسترده بوده و سلسله مراتب طولی دارد اما مفهوم متواطی منجمد، ایستا و تک‌لایه است.

سیطرهٔ منطق ارسطویی بر اذهان باعث شده است در تفسیر متون اخلاقی هم به دنبال نفی و اثبات صددرصدی باشیم و به همه‌چیز به نحو مطلق نگاه کنیم. این نگاه، اذهان ما را از معنای چندلایه، گسترده و مشکک مفاهیم منصرف می‌کند و ما را به نگاه خطیِ صریح و صفر و یکی می‌کشاند. به همین جهت در فهم بسیاری از مفاهیم و بیانات قرآنی و روایی همچون مراتب توبه و... درمی‌مانیم. این در حالی است که در منطق فازی، وجود ابهام در ماهیت این مفاهیم، طبیعی و ناگزیر دانسته شده است. وقتی توبه یا هر موضوع اخلاقی دیگری را در نفس الامرِ هستی‌شناختی خود، ذومراتب و دارای درجات متوالی ببینیم، طبیعتاً احکام مترتب بر آن‌ها نیز به تناسب آن درجات، شدت و ضعف خواهند یافت؛ یعنی متناظر با هر درجه از موضوع، سطحی از حکم قرار خواهد گرفت (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۶: ۸۴- ۷۴). در ادامه، مسأله تشکیکی بودن توبه را از نگاه قرآن و حدیث و همچنین از نگاه عارفان بررسی می‌کنیم.

۲. ۱. ۱. تشکیکی بودن توبه در نگاه قرآن و حدیث

علامه طباطبایی تشکیکی بودن مراتب گناه و به‌تبع آن، تشکیکی بودن مراتب توبه از گناهان را از نگاه خداوند، به‌خوبی در تفسیر خود تحلیل نموده است. ایشان با تأکید بر این نکته که خداوند در

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

سطح توان عقول بشری در کتاب خود با ما سخن گفته، با تأمل و تعمّق در کلام خدا و برخی روایات، ذومراتب بودن گناه و توبه از گناه را اثبات کرده است.

ایشان پایین‌ترین مرتبهٔ گناه را همان گناهانی می‌داند که مرتکز در اذهان عموم مردم است و در ابتدا واژگانی همچون گناه و معصیت به ذهن انسان متبادر می‌شود. اما گناه برای انسانی که از این مرتبهٔ نازل، ارتقا یافته باشد معنای بالاتری می‌یابد. برای چنین شخصی، مراعات نکردن برخی احکام اخلاقی که جزء واجبات نیست هم گناه خواهد بود. رعایت نکردن فضائل اخلاقی ازسوی یک انسان وارسته، منافات با مقامات اخلاقی - معنوی او دارد و گناه به‌شمار می‌آید. چه‌بسا کارهای به‌دور از ادب که صادرشدن آن‌ها از یک انسان بَدَوی و به دور از معاشرت با اجتماع و تمدن، عیب و گناه به‌شمار نمی‌آید درحالی‌که صدور آن‌ها از یک انسان متشخّص و ملتزم به آداب، گناهی بزرگ و بی‌ادبی نابخشودنی است. دربارهٔ چگونگی ارتباط بندگان با خداوند هم همین‌گونه است و به تعبیری، «حسنات الأبرار»، «سیّئات المقرّبین» به‌شمار می‌آید؛ زیرا گناه و به‌تبع آن توبه، مراتبِ تشکیکی متعدد دارد و انتظاری که از مقرّبان درگاه الهی می‌رود به‌هیچ‌وجه از کسانی که به این مراتب متعالی نرسیده‌اند نمی‌رود. علامه در ادامه چنین نتیجه می‌گیرد:

> *کلّما دَقَّ المسلک و لَطف المقام ظهرت هنالک خفایا من الذنوب کانت قبل تحقق هذا الظرف مغفولاً عنها لا یحسّ بها الإنسان المکلف بالتکالیف، و لا یؤاخذ بها ولیّ المؤاخذة و المحاسبة. و ینتهی ذلک- فیما یعطیه البحث الدقیق- إلی الأحکام الناشئة فی ظرفی الحب و البغض ...و یری المحب إذا تاه فی الغرام و استغرق فی الوله أدنی غفلة قلبیة عن محبوبه ذنباً عظیماً... حتی أن الاشتغال بضروریات الحیاة من أکل و شرب و نحوهما یعد عنده من الاجرام و العصیان... و الاشتغال به اشتغال بغیر المحبوب و إعراض عنه اختیاراً و هو من الذنب* (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۳۶۶).

تحلیل گناه و توبه از گناه در یک دستگاه تشکیکی این توان را به ما می‌دهد تا بتوانیم استغفار و توبه معصومان را به‌گونه‌ای متعالی و متناسب با مقام عصمت آن‌ها تبیین نماییم. علامه طباطبایی با استفاده از مبانی قرآنی [۷] توضیح می‌دهند که چگونه پیامبران و معصومان در بالاترین مقامات معنوی و درنهایت قرب الهی، برخی اعمال حتی مباح را نیز برای خود، نوعی گناه و ظلم بر نفس می‌دانند.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

به این ترتیب، علامه طباطبائی پس از تعمّق در موارد استعمال گناه، بخشش و توبه در آیات و روایات گوناگون، برای گناه و توبه متناسب با آن، چهار مرتبه طولی مترتب بر هم مطرح می‌کند: [۸]

فهذا کله ینبهنا إلی أن من الذنب المتعلق به المغفرة ما هو غیر الذنب بالمعنی المتعارف و کذا من المغفرة ما هی غیر المغفرة بمعناها المتعارف... فتحصل من البیان السابق: أن للذنب مراتب مختلفة مترتّبة طولاً کما أن للمغفرة مراتب بحذائها، تتعلق کل مرتبة من المغفرة بما یحاذیها من الذنب... فالذی تبین لنا من مراتب الذنب و المغفرة بحسب البحث السابق العام مراتب أربع:

أولاها: الذنب المتعلق بالأمر و النهی المولویین و هو المخالفة لحکم شرعی ...و تتعلق به مغفرة تحاذیه مرتبةً. و الثانیة: الذنب المتعلق بالحکم العقلی الخلقی و المغفرة المتعلقة به. و الثالثة: الذنب المتعلق بالحکم الأدبی ممن ظرف حیاته ظرف الأدب و المغفرة المتعلقة به... و الرابعة: الذنب الذی یحکم به ذوق الحب و المغفرة المتعلقة به. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۳۷۱).

علامه در ادامه، جهت دفع دخل مقدر، تأکید می‌کنند که این تحلیل، ریشه در آیات و روایات داشته و مبتنی‌بر تحلیل عقلی است و با وجود این همه قرائن نباید و نمی‌توان این سخن را متهم به شاعرانه و یا صوفیانه بودن کرد. هرچند ممکن است سالکان و عارفان در دقایق معنای گناه و توبه سخنانی داشته باشند که از سطح این تحلیل بالاتر باشد: «فهذا ما یعطیه البحث الجدی الذی لا یلعب فیه بالحقائق، و ربما أمکن أن یلوح لأولیاء الله السالکین فی عبودیتهم سبیل حبه تعالی دقائق من الذنب و لطائف من المغفرة لا تکاد تناله أیدی الأبحاث الکلیة العامة» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۳۷۲).

۲. ۱. ۲. تشکیکی بودن توبه در نگاه عارفان

نگاهِ تشکیکی به مفاهیم اخلاقی - دینی را عارفان بهتر از دیگر نحله‌های اسلامی تجزیه و تحلیل نموده و در بسیاری از مفاهیم کلیدی شریعت جاری ساخته و به دنبال آن، منازل و مقامات سلوک را تشکیکی دانسته‌اند. همین اندیشه ذومراتب بودن منازل سلوکی موجب شده تا خواجه عبدالله در *منازل السائرین*، هرکدام از مقامات را در سه مرتبه ابتدایی، متوسطه و پیشرفته توضیح دهد و البته توضیح

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

مقامات سلوک در سه مرتبه مزبور، ریشه در عمق تاریخ عرفان اسلامی دارد و پیش از خواجه هم وجود داشته است.

ثمرهٔ این نگاه در مبحث توبه آن است که آموزهٔ عرفانی توبه، طیف گسترده‌ای از سطوح متفاوت بازگشت‌ها به خداوند را شامل می‌شود و هر انسانی در هر مرتبه پایین با بالایی که باشد می‌تواند بازگشت به حق متعال و توبه را متناسب با حال و مقام خود داشته باشد. توبه برای نازل‌ترین انسان‌ها، از بزرگ‌ترین گناهان و برای پاک‌ترین و متعالی‌ترین انسان‌ها در بالاترین سطح خود، از کوچک‌ترین نقائص، مطرح و مطلوب است. پس میان پایین‌ترین مراتب توبه تا بالاترین مراتب آن فاصله‌ای به اندازهٔ زمین تا آسمان بوده و این‌گونه است که عارفان ابراز شگفتی می‌کنند از فاصله بسیاری که میان مراتب گسترده و تشکیکی توبه وجود دارد.

قال بنان الصّوفی: التوبة علی وجهین: توبة العوام من الذنوب؛ و توبة الخواصّ من الغفلة. فشتّان بین تائب و تائب. تائب یتوب من الذنوب و السیئات، و تائب یتوب من الزلل و الغفلات، و تائب یتوب من رؤیة الحسنات و الطاعات [۹] (خرگوشی، ۱۴۲۷ق: ۷۸).

نگاه تشکیکی عارفان به حقیقت توبه، برای هجویری این ظرفیت را فراهم آورد تا توبه را به‌گونه‌ای تحلیل نماید که در پایین‌ترین مرتبه، با رجوع از خطا و گناه به صواب شروع شود و در ادامه به مرتبه بالاتر، یعنی مرتبه رجوع از صواب به اصوب برسد و در بالاترین مرتبه، به مرحله رجوع از خود به حق تعالی منتهی گردد.

توبه بر سه کونه باشد: یکی از خطا بصواب؛ و دیکر از صواب به اصوب؛ و سه دیکر از صواب خود بحقّ. [قسم نخست توبه،] از خطا بصواب بود لقوله تعالی: «وَ الَّذِینَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ الآیة». و [قسم دوم] از صواب به اصوب آنک موسی کفت عم: «تُبتُ الیک». و [قسم سوم] از خود بحقّ کما قال النبیّ صلع: «و انّه لیغان علی قلبی و انّی لاستغفر اللّه فی کلّ یوم سبعین مرّة»... و تا [مقام] اصوب [ممکن] باشد با [مقام] صواب قرار کرفتن، وقفتست و حجاب؛ و رجوع از صواب به اصوب اندر درجه اهل همّت ستوده. و این توبه خاصّست. و محال باشد که خواصّ از معصیت توبه کنند... و [توبه به معنای] رجوع از خود بحقّ، در درجه محبّت است... و از دیده [یعنی دیدن] مقامات و احوال نیز توبه کند چنانک مقامات مصطفی

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

عم هر دم بر ترقّی بود چون بمقام برتر می‌رسید از مقام فروتر استغفار می‌کرد و از دیدن آن مقام توبه بجا می‌آورد (هجویری، ۱۳۷۵: ۳۸۳).

۲.۲ . روح معنای توبه

قاعده وضع الفاظ برای ارواح معانی، خاستگاهی عمدتاً عرفانی - فلسفی داشته[۱۰] و ارمغان نگاه تشکیکی به مفاهیم شریعت است. اهل معرفت بر این قاعده سخت پا می‌فشارند و آن را کلید عروج به ساحت معرفت اسرار شریعت می‌دانند (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج۴: ۱۷۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۶). این قاعده، تقریرهای گوناگونی می‌تواند داشته باشد[۱۱] اما آنچه مراد اصلی از این قاعده مهم است آن است که هرکدام از الفاظ، دارای یک روح معنایی است که در هنگام صدق بر مصادیق خود با برخی زوائد و عوارض، همراه و مختلط شده است. باید دقت داشت که این اختلاط میان گوهر اصلی معنا و برخی زوائد، موجب می‌شود که برخی به اشتباه، این عوارض و زوائد معنایی را هم در روح و گوهر معنا، دخیل بدانند. برای جلوگیری از این اشتباه می‌توان با پالایش زبان عرفی از این زوائد و عوارض، به اصل و روح معنا دست یافت و پس از یافتن روح معنا می‌توان توسعهٔ آن را در دیگر مصادیق که گاهی مغفول مانده است مشاهده و اثبات نمود.

مثلاً لفظ «توبه»، چنان‌که در بخش مفهوم‌شناسی گذشت، برای اصل معنایی «رجوع به خداوند» وضع شده است. این اصل، گوهر و روح معنای توبه است که در نگاه نخستین، ممکن است کسی آن را در مرحله پایینِ توبه از گناهانی همچون دروغ و غیبت و... خلاصه کند اما پس از پالایش زبان عرفی و رسیدن به گوهر معنا، می‌توان آن را تا بالاترین مقامات عرفانی و مراتب انسانی هم تحلیل نمود.

بنابراین معانی طولی و درجات معنایی یک شیء، در اصل و روح حقیقت آن شیء مشترک‌اند. به ناچار اگر واژه‌ای برای امری در مرتبهٔ پایینِ حسی به‌کار رفت این واژه برای معانی و حقایق طولی آن امر در مراتب بالاتر هستی نیز به‌آسانی به کار می‌رود. جز آن که نیازی نیست زوائد و ویژگی‌های مختص به مراتب پایین آن امر را در مراتب متوسطه و یا مراتب بالاتر هستی، سرایت دهیم. ازاین‌رو الفاظ و واژه‌های عرفی و این‌سویی، که اذهان و محاورات عمومی مردم به آن‌ها انس و الفت بیشتری دارند، به‌درستی در مراتب بالاتر به‌کار می‌رود بی‌آنکه به مجاز در لفظ دچار شده باشیم. براین‌اساس روح معنا میان همه مصادیق، مشترک است (رک یزدان‌پناه، پرتال امام خمینی).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

۲-۲. ۱. روح معنای توبه در نگاه عارفان

برآیند قاعدهٔ روح معنا در مبحث توبه آن است که توبه، یک حقیقت شرعیه[۱۲]بوده و دارای یک معنای واحد و ثابت در همه مصادیق و مراتب متفاوت و گوناگون خود است. آن معنای واحد، در واقع همان لبّ، اساس و روح معنای توبه است که در هر مصداقی، متناسب با ویژگی‌های خاص همان مصداق، خود را نشان می‌دهد.

معنای واحدی که در همه مراتب تشکیکی توبه قابل بازیابی باشد، اصل «رجوع به خداوند» است که در هر مرتبه‌ای از توبه، متناسب با اقتضائات و شرایط همان مرتبه، محقق می‌شود. براین‌پایه، عارفانی چون مستملی، اصلِ واحدِ بازگشت را در همهٔ مراتب پایینی، متوسطه و نهایی توبه تبیین نموده است.

> *پس توبه به حقیقت، «رجوع» آمد، لکن صفت رجوع مختلف است به مقدار اختلاف احوال و مقامات؛ عام را از جفا به عذر بازگشتن بیم عقوبت را؛ و خاص را از افعال خویش تبرّا کردن و به دیدار منت بازگشتن تعظیم مخدوم را؛ و خاص خاص را از کلّ کونین بازگشتن و عجز و فنا و عدم ایشان دیدن اجلال مکوِّن کون را* (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۲۱۰)

همچنین سهروردی تعریف توبه را از برخی عارفان این‌گونه نقل می‌کند که توبه عبارت است از بازگشت از هرچه در شریعت مذموم است به آنچه در شریعت، ممدوح می‌باشد. وی در ادامه، تأکید می‌کند که این تعریف، به‌نوعی، روح معنای توبه را بیان می‌کند، به‌گونه‌ای که می‌توان این اصل و روحِ واحد را در همه مصادیق آن توسعه داد و گوهر معنا را در همهٔ آن‌ها مشاهده نمود.

> *و سُئِل السوسی عن التوبة فقال: التوبة من کل شیء ذمّه العلم إلی ما مدحه العلم.*[۱۳] *و هذا وصف یعمّ الظاهر و الباطن لمن کوشف بصریح العلم... و هذا یستوعب جمیعَ أقسام التوبة بالوصف الخاص و العام* (سهروردی، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۵۴۳).

سلمی هم در تعریف توبه، به‌گونه‌ای اشاره به روح معنایی آن می‌کند که بر همه سطوح گوناگون توبه قابل توسعه و قابل صدق باشد.

> *و التوبة الرجوع من کلّ حال مذموم الی کلّ حال محمود. و التوبة إزالة عمران کلّ خراب... و التوبة رجوع العبد الی الاستقامة بعد الإعوجاج* (سلمی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۷۷).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

بر همین اساس نجم‌الدین کبری نیز با دست گذاشتن بر روح معنای «توبه» و روح معنای «گناه»، توبه را به رجوع به خداوند و خروج از گناهان تعریف می‌کند. این تعریفِ جامع، شامل همه مراتب توبه است. در هر مرتبه پایین و یا بالای توبه، انسان از نوعی گناه، خارج شده و به خداوند بازمی‌گردد. این گناه می‌تواند در مراتب نخستین توبه گناهان متعارفی همچون انواع معاصی باشد و می‌تواند در مراتب متعالی و نهایی توبه، اَنانیت و وجود تعیّنی سالک باشد؛ زیرا روح معنای گناه، هر چیزی است که میان بنده و خدا فاصله بیندازد و با این تفصیل، اَنانیت و وجود عاریه‌ای سالک، نهایی‌ترین گناه و حجابی است [۱۴] که سالک با توبه از آن به مقام فنا راه یافته و به او واصل می‌گردد.

التوبة و هی الرجوع إلی اللّه بالإرادة... و هی الخروج من الذنوب کلها؛ و الذنب: ما یحجبک عن اللّه، من مراتب الدنیا و الآخرة. فالواجب علی الطالب، الخروج من کل مطلوب سوی اللّه؛ کما قیل: وجودک ذنب لا یقاس به ذنب (نجم الدین کبری، ۱۴۲۶ق: ۹۱).

۲.۲.۲. روح معنای توبه در نگاه قرآن و حدیث

نتیجه روشن تشکیکی بودن حقیقت توبه در نگاه شریعت، وجود روح معنای واحد توبه در همه مراتب تشکیکی آن است. معنای جامع و مشترک توبه یا همان روح و گوهر معنای توبه (رجوع به خداوند) به عنوان «ما به الاشتراک» [۱۵] در هرکدام از مراتب توبه، به‌گونه‌ای متناسب با همان مرتبه وجود دارد.

برای نمونه، خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ تابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَ الْمُهاجِرِينَ وَ الْأَنْصارِ ...وَ عَلَى الثَّلاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا» (توبه، ۱۱۸- ۱۱۷). در این دو آیه، سخن از سه توبه [۱۶] متفاوت به‌لحاظ رتبه و درجه، در یک سیاق واحد است: توبه نبی اکرم (ص) و توبه مسلمانانی که در جنگ تبوک از ایشان پیروی کردند و توبه سه شخص گناهکاری که از شرکت در جنگ تبوک تخلّف جستند. روح معنای توبه در هرکدام از این سه مرتبه، به‌گونه‌ای، موجود است. ابن‌عطیه (د: ۵۴۲) در تفسیر خود، روح معنای توبه خداوند، یعنی رجوع خداوند به بنده‌اش را در هر سه مورد، که در واقع، سه مرتبه متفاوت از توبه هستند، مشاهده کرده و با توجه به گوهر معنایی واحدی که در هر سه مرتبه از توبه هست، همه را در یک سیاق، تحلیل و تفسیر کرده است. بر پایه این تفسیر، توبه خدا نسبت به آن سه گناهکار به معنای رجوع خدا با بخشش خود به آن‌ها است؛ و توبه نسبت به سایر مسلمانان به‌معنای رجوع خدا با رحمت متناسب با آن‌ها است؛ زیرا با شرکت در جنگ، دین خدا را یاری کردند؛ و توبه نسبت به

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

پیامبر اکرم (ص) به‌معنای رجوع خداوند به ایشان با بالاترین سطح رحمت خود است (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۹۲). این تفسیر پس از ابن عطیه مورد پسند و استفاده مفسران قرار گرفت.

قال ابن عطیة: التوبة من اللّه رجوعه لعبده من حالة إلی حالة أرفع منه، و قد یکون فی الأکثر رجوعا عن حالة المعصیة إلی حالة الطاعة، و قد یکون رجوعا من حالة طاعة إلی أکمل منها. و هذه توبته فی هذه الآیة علی النبی صلی اللّه علیه و سلم، لأنه رجع به من حالة قبل تحصیل الغزوة و تحمل مشاقها، إلی حالة بعد ذلک أکمل منها. و أما توبته علی المهاجرین و الأنصار فحالها معرضة لأن تکون من نقصان إلی طاعة وجد فی الغزو و نصرة الدین، و أما توبته علی الفریق فرجوع من حالة محطوطة إلی حالة غفران و رضا (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۵۱۶).

همچنین علامه طباطبایی در یک تلاش منسجم تفسیری، به تحلیل معنای «ظلم» برای دست‌یابی به روح معنای آن پرداخته است. به باور ایشان، ظلم در ابتدا به‌معنای تجاوز به حقوق دیگران که بارزترین مصداق آن است به‌کار رفته ولی مردم با توسعه [17] در معنای ظلم، آن را در هر موردی که گونه‌ای تجاوز از حدود باشد به‌کار می‌برند و از این جهت، هر گناهی نیز گونه‌ای از ظلم بر نفس است، زیرا در این مصادیق نیز روح معنای ظلم وجود دارد. براین‌اساس، تفسیر آیه: «**الَّذِینَ آمَنُوا وَ لَمْ یَلْبِسُوا إِیمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِکَ لَهُمُ الْأَمْنُ**» (انعام: ۸۲)، وابستگی کامل خواهد داشت به مصداقی از ظلم که مراد خداوند در این آیه است. به دیگر سخن، روح معنای ظلم در مصادیق و مراتب گوناگونی وجود دارد که هرکدام از مصادیق، حکم متناسب با خود را دارد. مصداق ظلم در این آیه، در پایین‌ترین سطح خود، مربوط می‌شود به مشرک و کافری که مبتلا به بزرگ‌ترین مصادیق و مراتب ظلم یعنی کفر و شرک هستند. مرتبهٔ بعدی ظلم و گناه، ارتکاب کبائر و پس از آن ارتکاب صغائر و سپس انجام مکروهات و... است و درنهایت، ضعیف‌ترین مراتب ظلم و گناه، در قاموس حبّ بوده و مربوط به عاشقان خداوند می‌شود. به‌این‌ترتیب، به اقتضای این آیه و با توجه به روح معنای ظلم و گناه، هر کس ایمان خود را از مرتبه‌ای از ظلم و گناه پالایش کند خداوند مرتبه‌ای از امان و هدایت را که متناسب با آن مرتبه از پالایش است به او پاداش می‌دهد (طباطبایی،۱۴۱۷ق، ج ۷: ۲۰۲- ۲۰۰).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

۳. بالاترین مراتب توبه

عارفان به سقف کمالی توبه، عنایت ویژه‌ای داشته‌اند. یافته‌های سلوکی، آن‌ها را بر آن داشت تا مباحث دقیق و ظریفی در این باب مطرح کنند. در پایان این مطالعه مقایسه‌ای، نگاهی تطبیقی خواهیم داشت به این مسئله از دیدگاه شریعت و عرفان اسلامی.

۳. ۱. بالاترین مراتب توبه در نگاه قرآن و حدیث

شواهدی از قرآن و حدیث در دست است که نشان می‌دهد توبه در بالاترین و پیشرفته‌ترین سطح خود، معنایی بسیار متعالی و عمیق پیدا می‌کند. در قله معنویت و قرب الهی، دیگر سخن از توبه از گناه و اموری از این دست نیست بلکه سخن از توبه از توجه به هر چه جز خدا است.

امام صادق علیه السلام در حدیث شریفی ضمن تأکید بر ذومراتب و تشکیکی بودن حقیقت توبه، در یک تقسیم کلی، توبه را به توبهٔ عوام و توبهٔ خواص و یا به تعبیری، به توبه سطح ابتدایی و توبه در سطح پیشرفته آن تقسیم می‌کنند. توبه در مرتبه نخستین و عمومی آن، توبه از گناهان است ولی بالاترین مرتبه توبه و به‌تعبیر این حدیث شریف، توبه خواص، توبه از اشتغال به هر چیز غیر خداوند است. «**وَ كُلُّ فِرْقَةٍ مِنَ الْعِبَادِ لَهُمْ تَوْبَةٌ... وَ تَوْبَةُ الْخَاصِّ مِنَ الِاشْتِغَالِ بِغَيْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَوْبَةُ الْعَامِّ مِنَ الذُّنُوبِ**» (امام صادق(ع)، ۱۴۰۰ق: ۹۷).

امام سجاد علیه السلام نیز در مناجات الذاکرین از مناجات خمسهٔ عشر، به ما می‌آموزند که چگونه به درگاه پروردگار از هر لذتی به‌جز لذت ذکر او و از هر راحتی به‌جز راحت انس با او و از هر سروری به‌جز سرور قرب به او و از هر اشتغالی به‌جز اشتغال به طاعت او، توبه کرده و طلب مغفرت داشته باشیم. مضامین متعالی این استغفار، مؤید و گواه بسیار روشنی بر توبه خواص، که همان توبه از ماسوی‌الله است می‌باشد. «**أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بِغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بِغَيْرِ أُنْسِكَ، وَ مِنْ كُلِّ سُرُورٍ بِغَيْرِ قُرْبِكَ، وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ طَاعَتِكَ**» (مجلسی، ۱۴۲۳ق: ۴۱۶).

جز یاد تو دل به‌هر چه بستم توبه　　بی‌ذکر تو هر جای نشستم توبه

(سنایی، ۱۳۸۱: ۵۵۷)

همچنین امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه: «**فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ**» (طه: ۱۲) می‌فرمایند: هنگامی که حضرت موسی در وادی مقدس، به خداوند عرضه داشت: پروردگارا! قلبم را از هرچه

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

جز تو پاک کردم خداوند به او فرمود: «فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ». یعنی اگر واقعاً قلب تو از هرچه جز من پاک است پس محبت اهلت را نیز که خیلی دوستشان می‌داری از دل خارج کن (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج۲: ۴۶۳). از این حدیث شریف نیز چنین برمی‌آید که در مراتب متعالی عرفان و سلوک، جاداشتن هرچه جز خدا در دل، خطا بوده و موجبات ناخالصی قلب را فراهم می‌آورد و باید از آن توبه نمود و تنها قلبی پاک و خالص است که ماسوا از ساحت آن شسته و از همهٔ کثرات پاک شده باشد.[۱۸] امام خمینی بارها به این حدیث در آثار عرفانی خود اشاره داشته و با تمسک به آن بر ضرورت پاک کردن دل تا مرحلهٔ فنا و عبور از همهٔ کثرات و ماسوی الله تأکید ورزیده است (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۵۳).

امام خمینی آیه شریفه «وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرْ» (مدثر: ۵) را نیز در باطنی‌ترین معانی تأویلی آن، امر به هجرت و توبه از کثرات و ماسوی‌الله – که اصل اصول و شجره ملعونه خباثت و گناه است – دانسته است (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۵۴).

همچنین تفسیری که امام صادق علیه السلام از «قلب سلیم»، که در سوره شعرا آمده، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۱۶) و از «شراب طهور» که در سوره انسان آمده (رک طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۲۳) ارائه داده‌اند نیز کاملاً هم‌سو با همین مطلب است که اشتغال به هرچه جز خدا نوعی نقص و آلودگی است و ضروری است که انسان با توبه در بالاترین سطح ممکن، خود را از هر چه جز خدا است پاک نماید.

۳. ۲ . بالاترین مراتب توبه در نگاه عارفان

در عرفان اسلامی بارها بر این نکته تأکید شده که توبه در بالاترین سطح خود به توبه از ماسوی‌الله منتهی می‌شود. نگارنده، پیش از این، مبانی این سخن عرفانی را در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل مبانی عرفانی بالاترین مرتبه توبه (توبه از ما سوی الله)» به تفصیل بررسی کرده است (میری، ۱۳۹۸: ۵۰۳-۵۱۳). درواقع غایت القصوای حرکت سلوکی، رسیدن به فنای فی‌الله است و این غایت نهایی و متعالی، مراحل و منازل سلوک را جهت و معنا می‌بخشد. براین‌پایه، توبه نیز در بالاترین سطح خود باید در جهت رسیدن به فنا باشد. و به همین خاطر است که برخی عارفان، بالاترین مرتبهٔ توبه را به توبه از ماندن بقایای ماسوا و کثرات در قلب (کاشانی، ۱۳۸۵: ۱۰۶- ۱۰۵) و برخی، به توبه از مشاهدهٔ کثرت و اشتغال به ماسوا (آملی، ۱۳۶۸: ۲۷۵) و برخی، به توبه از التفات به غیر حق تعالی تفسیر می‌کنند (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۶). به دیگر سخن، توبه نهایی در نگاه عارفان، توبه از ماسوی‌الله است (خواجه عبدالله انصاری، ۱۴۱۷ق: ۳۹؛ سراج الطوسی، ۱۹۱۴م: ۴۴).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

عارفان با بهره‌جستن از همین نگاه است که توانسته‌اند بهترین تحلیل از توبه معصومان سلام الله علیهم اجمعین را ارائه دهند. آن‌ها بدون آنکه از معنای ظاهری و ظهور اوّلیِ واژه‌های گناه و توبه صرف نظر کنند و بدون آنکه عصمت معصومان را نادیده بگیرند، استغفار آنان را به بهترین وجه، در بالاترین مراتب توبه تبیین کرده‌اند. این درحالی است که برخی مفسران، در تفسیر آیاتی همچون «وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِک» (غافر: ۵۵) به زحمت افتاده و منظور از استغفار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن را توبه ایشان از گناهان صغیره (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۸۳۱) و یا توبه ایشان از گناهان پیش از بعثت (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷: ۵۲۵) و یا استغفار از گناهان امتِ پیامبر و نه خود ایشان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۳۴۳) و امور دیگری از این قبیل حمل کرده‌اند.[۱۹]

نتیجه:

دیدگاه اهل معرفت پیرامون توبه و مراتب آن، افزون‌بر آنکه دست آن‌ها را در تحلیل و تبیین چگونگی توبه و استغفار معصومان باز می‌کند و همچنین نقشهٔ راه را در منزل توبه و سطوحِ مترتّب بر هم آن برای سالک روشن می‌سازد، در تطابق کامل با شریعت و آموزه‌های دینی است. البته جز این هماهنگی و تطابق با شریعت نیز از عرفان راستین اسلامی انتظار نمی‌رود؛ زیرا به تصریح بزرگان اهل معرفت، شریعت، میزان عرفان و قانون اساسی حاکم بر سراسر آن است. از این جهت می‌توان گفت: اهل معرفت، اصلی‌ترین سخنان خود پیرامون منزل توبه را افزون‌بر تحقیقات عرفانی خود، وام‌دار شریعت و آموزه‌های دینی دراین‌باره هستند.

با دقت در مباحثی که گذشت می‌توان هم‌سویی و هماهنگی نگاه عارفان به مقولهٔ توبه را با میزان و سنجه شریعت، در سه مرحله اساسی نتیجه گرفت. سه مرحله مزبور عبارت‌اند از: تعریف توبه؛ مراتب توبه؛ بالاترین مرتبه توبه.

با توجه به آنچه گذشت روشن شد که در تعریف توبه، هم شریعت و هم عرفان اسلامی بر اصل معنایی «رجوع به خداوند» تأکید دارند و در این بخش هر دو نگاه، در هم‌سویی کامل قرار دارند.

در باب مراتب توبه نیز معلوم شد که عارفان به پیروی از میزان قرآن و حدیث، توبه را ازسویی، یک حقیقت تشکیکی می‌دانند و ازدیگرسو، اصل «بازگشت به خداوند» را، که روح و گوهر معنای توبه است، در همهٔ مراتب آن لحاظ می‌کنند. به‌این‌ترتیب، توبه از نگاه عارفان، به پیروی از شریعت،

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

در پایین‌ترین مرتبه خود عبارت است از بازگشت از گناهان به‌سوی خداوند و در مراتب متوسطه، عبارت است از بازگشت از اموری همچون رذائل و مکروهات به خداوند و در مراتب بالاتر عبارت است از بازگشت از هر بدی به‌سوی پروردگار.

در مورد بالاترین مراتب توبه نیز شواهد فراوانی در آموزه‌های دینی وجود دارد که توبه را در نهایی‌ترین مراتب آن، توبه از ماسوی‌الله معرفی کرده‌اند، چنان‌که حدیث *مصباح الشریعه*، سخن از توبه از اشتغال به ماسوی دارد و امام سجاد علیه السلام از هر اشتغالی به جز طاعت حق، استغفار می‌کنند.

ازسوی‌دیگر می‌بینیم که مبانی عرفان عملی نیز با این نگاه شریعت کاملاً هم‌سویی دارد. عارفان، بالاترین و نهایی‌ترین مرتبهٔ سلوک را توبه و گذار از همهٔ کثرات و فنای فی‌الله می‌دانند. در مرتبهٔ فنا، جز خدا مطرح نیست و در این مرتبه، هرگونه توجه و اشتغال به غیر حق، گناه است. این تحلیل متعالی از مراتب پیشرفته توبه از ابتکارات عارفان است که با تعمّق در بطون شریعت به آن دست یافته‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. چنان‌که جنید بغدادی که در میان عارفان، معروف به شیخ الطائفه است می‌گوید: «**علمنا مضبوط بالکتاب و السنة، و من لم یحفظ القرآن و لم یکتب الحدیث و لم یتفقّه لا یقتدی به**» (المزیدی، ۱۴۲۷ق: ۱۵۰)

۲. مثل آیه: «**لَقَدْ تابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَ الْمُهاجِرِينَ وَ الْأَنْصارِ**» (توبه: ۱۱۷).

۳. چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «**التَّوْبَةُ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَ اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَ تَرْكٌ بِالْجَوَارِحِ وَ إِضْمَارُ أَنْ لَا يَعُودَ**» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۹۴).

۴. اقتباس از آیه ۱۸۵ سوره آل‌عمران است.

۵. برای تحقیق بیشتر درباره تعریف عرفانی اصطلاح توبه (رک هجویری، ۱۳۷۵: ۳۷۹).

۶. اردبیلی هم همین عبارت را در شرح گلشن راز خود تکرار کرده است (الهی اردبیلی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۶۷).

۷. علامه طباطبایی در این بخش، بارها تأکید کرده است که در این تحلیل و تفسیر، فقط ناظر به قرآن و ظواهر آیات است.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

۸. برخی دیگر از مفسران نیز در تلاش‌های تفسیری خود به نتیجه‌ای شبیه نتیجه علامه در *المیزان* رسیده و به بررسی مسئله تشکیکی بودن توبه پرداخته‌اند (ابوزهره، بی‌تا، ج۱: ۴۰۷).

۹. این سخن، میان عارفان، مشهور و موردتکرار بوده است؛ قشیری می‌نویسد: «سمعت محمد بن أحمد بن محمد الصوفی یقول: سمعت عبد اللّه بن علی بن محمد التمیمی یقول: شتّان ما بین تائب یتوب من الزلّات، و تائب یتوب من الغفلات، و تائب یتوب من رؤیة الحسنات.» (قشیری، ۱۳۷۴: ۱۷۴. همچنین رک سراج الطوسی، ۱۹۱۴م: ۴۴).

۱۰. برای تحقیق بیشتر درباره خاستگاه این قاعده (رک منصور سمایی، ۱۴۰۰: ۷).

۱۱. برای تحقیق بیشتر درباره این تقریرها (رک فرزانه، حیدری، ۱۳۹۷: ۱۱۷- ۱۳۱).

۱۲. «حقیقت شرعیه» یک مبحث مهم در علم اصول فقه است. برای آشنایی بیشتر با این اصطلاح رک به دانشنامه جهان اسلام.

۱۳. این نکته که سهروردی از تعریف ابویعقوب یوسف بن حمدان السوسی به درستی به‌دست آورد را از تعریف سهل تستری نیز می‌توان اصطیاد نمود. از او چنین نقل شده است که: «التوبة تبدیل الحرکات المذمومة بالحرکات المحمودة» (غزالی، بی‌تا، ج ۴، ۱۴۷). چنان‌که خرگوشی از برخی عارفان چنین نقل کرده است که توبه، بازگشت از همه مذمومات به همه ممدوحات است. «و سئل محمد بن علی عن التوبة، فقال: التنقل من المذمومات کلّها إلی الممدوحات کلها» (خرگوشی، ۱۴۲۷ق: ۷۸).

۱۴. شعر مشهور حافظ اشاره به همین مطلب دارد: «میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست/ تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز» (حافظ شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۷۴).

۱۵. قوام تشکیک، به وجود «ما به الاشتراک» و «ما به الامتیاز» و رجوع «ما به الامتیاز» به «ما به الاشتراک» است (رک سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۲۵).

۱۶. البته مراد از توبه در این آیه، توبه خدا و رجوع خدا به بنده است نه توبه و رجوع بنده به خدا.

۱۷. توسعه روح معنا به سایر مصادیق که علامه در اینجا به آن اشاره می‌کنند یکی از ویژگی‌های بارز روح معنا است. پالایش معنای عرفیِ ظلم از برخی خصوصیات غیرذاتی، قابلیت توسعه آن به سایر مصادیقِ هم‌سو همچون گناه و ظلم بر نفس را فراهم آورده است.

۱۸. نظیر این مطلب که قلب پاک، قلبِ تهی از ما سوا و کثرات است را در احادیث دیگر نیز می‌توان یافت: «و قد جاء فی الخبر: ان اللّه تعالی اوحی الی داود قال: یا داود! فرّغ لی بیتا اسکن فیه. فقال: و کیف یا رب؟ قال فرّغ لی قلبک» (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج۱: ۵۰۰).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

۱۹. برای توضیح بیشتر در این‌باره رک حسینی، ۱۳۹۳؛ شاکرین، ۱۳۹۰.

کتاب‌نامه:

- ابن‌عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن‌فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت: دار الفکر.
- ابوزهره، محمد. (بی‌تا)، زهرة التفاسیر، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- اسیری لاهیجی، محمد. (۱۳۸۱)، مفاتیح الإعجاز فی شرح گلشن راز، چاپ دوم، تهران: علم.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۰)، *آداب الصلاة*، چاپ هفتم، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- الهی اردبیلی، حسین بن عبدالحق. (۱۳۷۶)، شرح گلشن راز، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ـــــــــــــ (۱۳۸۳)، *سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفین)*، چاپ نهم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام صادق(ع)، جعفربن محمد. (۱۴۰۰ق)، مصباح *الشریعة*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- آملی، سیدحیدر. (۱۳۶۸)، *جامع الأسرار و منبع الأنوار*، تهران: علمی و فرهنگی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد. (۱۳۸۵)، *دیوان حافظ*، چاپ چهارم، تهران: زوار.
- حسینی، سیدمحمود طیب. (۱۳۹۳)، «نقد دیدگاه های مفسران در مورد استغفار پیامبر از گناه در آیه ۵۵ غافر»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۱۹.
- خرگوشی، ابوسعد عبدالملک بن محمد. (۱۴۲۷ق)، *تهذیب الاسرار فی اصول التصوف*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خواجه عبدالله انصاری. (۱۴۱۷ق)، *منازل السائرین*، قم: دارالعلم.
- دانشنامه جهان اسلام، https://rch.ac.ir
- سبزواری، هادی بن مهدی. (۱۳۶۹)، *شرح المنظومة (تعلیقات حسن‌زاده)*، تهران: ناب.
- سراج الطوسی، ابونصر. (۱۹۱۴م)، *اللمع فی التصوف*، لیدن: مطبعة بریل.
- سلمی، ابوعبد الرحمن محمدبن الحسین. (۱۳۶۹)، *مجموعه آثار السلمی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق)، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، بیروت: دارالفکر.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۸۱)، دیوان حکیم سنایی غزنوی، تهران: آزادمهر.
- سهروردی، شهاب‌الدین ابوحفص. (۱۴۲۷ق)، *عوارف المعارف*، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة.
- شاکرین، حمیدرضا. (۱۳۹۰)، «عصمت و استغفار؛ تعاند، تلائم یا تلازم؟»، معرفت کلامی، سال دوم، شماره ۲۶.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۳)، *شرح أصول الکافی* (صدرا)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۷۳)، *اوصاف الاشراف*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- عالم‌زاده نوری، محمد. (۱۳۹۶)، استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- غزالی، ابوحامد محمد. (بی‌تا)، *إحیاء علوم الدین*، بیروت: دارالکتاب العربی.
- فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرزانه، حسین و داوود حیدری. (۱۳۹۷)، «نظریه «روح معنا»؛ تقریرها و نقدها، آموزه‌های فلسفی»، مشهد، *دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، شماره۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ۱۳۷– ۱۱۹.
- قرآن کریم.
- قرشی بنایی، علی‌اکبر. (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قشیری، ابوالقاسم عبد الکریم. (۱۳۷۴)، *الرسالة القشیریة*، قم: بیدار.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله. (۱۳۸۵)، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]

- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۲۳ق)، *زاد المعاد- مفتاح الجنان*، بیروت: موسسهٔ الأعلمی للمطبوعات.
- مزیدی، احمد فرید. (۱۴۲۷ق)، *الإمام الجنید سید الطائفتین*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مستملی بخاری، اسماعیل. (۱۳۶۳)، *شرح التعرف لمذهب التصوف*، تهران: اساطیر.
- منصور سمایی، محمدجواد و همکاران. (۱۴۰۰)، «بررسی تطبیقی ادله نظریه «توسعه معنایی الفاظ قرآن» از دیدگاه فیض کاشانی و علامه طباطبایی»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۹۸، ، ۵- ۲۶.
- میری، محمد. (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل مبانی عرفانی بالاترین مرتبه توبه (توبه از ما سوی الله)»، نشریه علمی پژوهشی ادیان و عرفان، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ۴۹۹- ۵۱۶.
- ـــــــــــ . (۱۳۹۶)، «هفت مرحله اساسی سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی(ره)»، نشریه علمی پژوهشی انوار معرفت، شماره ۱۲.
- نجم الدین کبری، احمد. (۱۴۲۶ق)، *فوائح الجمال و فواتح الجلال*، چاپ دوم، مصر: دارالسعاد الصباح.
- هجویری، ابو الحسن علی. (۱۳۷۵)، *کشف المحجوب*، چاپ چهارم، تهران: طهوری.
- یزدان‌پناه، سیدیدالله. (بی‌تا)، تأویل عرفانی و اسرار شریعت، پرتال امام خمینی(ره)، http://www.imam-khomeini.ir

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-07]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.223]